

مصاحبه‌ی سانسور شده‌ی کمپین «خیابان» درباره‌ی روز زمین

فروردین ۹۹ بود که دعوتی برای مشارکت در یک کمپین بین‌المللی خیابانی با موضوع محیط زیست

و به مناسبت «روز زمین» به دست «خیابان» رسید. دو ماه پس از مشارکت و انتشار

گرافیتی‌مان، یکی از مسئولان کمپین - که خود یک هنرمند خیابانی آمریکایی است - با ما تماس

گرفت و درخواست مصاحبه‌ای در این باره برای انتشار در سازمان غیرانتفاعی «روز زمین» را داد. بعد از تحقیق درباره‌ی ماهیت و فعالیت‌های این انجمن، او، یک مصاحبه‌ی انتقادی تحویل‌شان دادیم

که در ضمنش به کارکرد «سرمایه‌داری سبز» و ارگان‌های «خیریه» ای آن در تداوم وضعیت فاجعه‌بار زیست‌محیطی کنونی انتقاد کردیم. پاسخ‌های سیاسی ما اما مورد پسند آن‌ها واقع نشد.

اول به یک بهانه‌ی واهی، پیشنهاد حذف بخش‌هایی از مصاحبه را دادند (سانسور رقیق) و بعد از

آن اعلام به عدم انتشار مصاحبه کردند (سانسور غلیظ). در نهایت مدتی بعد از این ماجرا

مصاحبه‌ی جایگزینی را با یکی دیگر از گرافیتی‌کارهای ایرانی ترتیب دادند که محتوایش عاری از

هرگونه پاسخ سیاسی و اجتماعی به بحران محیط زیست بود و مصاحبه‌شونده برای نجات محیط

«زیست پیشنهاد می‌کرد که «مردم باید خودشان را تغییر دهند

بدیهی است که ما از ابتدا هم تردیدی نداشتیم سخنان‌مان باب میل مصاحبه‌گران و سازمان‌شان نخواهد

بود. اما تصور می‌کردیم به‌خاطر «هزینه‌ی سانسور» و حفظ ظاهر هم که شده اقدام به این عمل شنیع

و ضد دموکراتیک نکنند. این موضوع اما آستانه‌ی واقعی «تحمل» رسانه‌های متکی به سرمایه‌های

بزرگ را نشان داد که پسوند لیبرال دموکراسی آمریکایی را یدک می‌کشند

در این ماجرا درس‌های دیگری هم است. اینکه سرمایه‌های بزرگ چطور خودشان را پشت

سازمان‌های غیرانتفاعی قایم می‌کنند و برای دفاع از موجودیت‌شان، گاه حتی به «هنر خیابانی» و

«اعتراضی» هم متوسل می‌شوند. نقشی که این هنر خنثی و غیرسیاسی در پُر کردن یک ویتترین

«خفن» برای این سرمایه‌های بزرگ دارد، قابل تأمل است! در ادامه خلاصه‌ای از مهمترین

بخش‌های مصاحبه را می‌خوانید

محیط زیست چه نقشی در هنر شما دارد؟

قبلاً چند اثر خیابانی برای فعالان (#2020halt) غیر از گرافیتی مربوط به روز زمین محیط‌زیستی زندانی هم داشتیم. از جمله فعالی به نام سحر کاظمی که در جریان سرکوب فعالان محیط زیستی کردستان بازداشت شده بود و خانواده‌اش زیر فشار و آزارهای حکومت بود و همچنین نیلوفر بیانی که به خاطر فعالیت‌های محیط‌زیستی‌اش به اتهام جاسوسی بازداشت و در دوران بازجویی، شکنجه و تهدید به مرگ و تجاوز شد.

در مورد بخش بعدی سؤال شما هم در پرسش ۱۰ به آن برمی‌گردیم.

می‌توانید کمی درباره کار گرافیتی خودتان به مناسبت ۵۰ سالگرد روز زمین صحبت کنید؟
الهام‌بخش شما برای این کار چه بود؟

از نظر ما بحران زیست‌محیطی، یک بحران جهانی و در عین حال ساختاری است. همین که همه‌گیری ویروس کرونا با کُند کردن جریان حمل و نقل و فعالیت‌های صنعتی دنیا باعث بیش‌ترین کاهش سالانه انتشار گاز دی‌اکسیدکربن در سال ۲۰۲۰ شد، به خودی خود سندی زنده از اثرات مخرب است که سرمایه‌داری بر محیط زیست ما داشته و دارد. تناقض ذاتی نظام سرمایه‌داری در همین است که از یک طرف از منابع طبیعی و نیروی کار تغذیه می‌کند، اما از طرف دیگر هر دوی این‌ها را نابود می‌کند! به بیان دیگر، شما با یک سیستم خودپیرانگر طرف هستید که تنها انگیزه و محرکش سود بیشتر به بهای انسان‌ها و طبیعت است.

بنابراین ما می‌خواستیم نشان بدهیم که تغییرات اقلیمی، نتیجه تصمیمات این یا آن سیاستمدار «بد» نیست، بلکه محصول یک نظام اقتصادی-اجتماعی بزرگتر است و هر مبارزه‌ای برای جلوگیری از فاجعه زیست محیطی ارتباط تنگاتنگی با مبارزه علیه کلیت سرمایه‌داری دارد.

اینکه جزئی از کمپین روز زمین بودید، برایتان چه حس و معنایی داشت؟

این اولین باری بود که در یک کارزار بین‌المللی شرکت کردیم و این تجربه به لحاظی جالب بود؛ اینکه با نگاه هنرمندانی از کشورهای مختلف دنیا آشنا شدیم که بحران زیست‌محیطی را از زوایای متفاوتی برجسته کرده بودند: برخی از منظر سیاسی بدان پرداخته بودند و برخی هم صرفاً از منظر هنری و به قصد تصویرسازی.

منتها واقعتش را بخواهید این را هم باید بگوییم که نسبت به کارایی این قبیل کمپین‌ها برای «آگاهسازی» تردید داریم. چون چنین کمپین‌هایی فقط واقعیات بحران را نشان می‌دهند و نه راه مقابله با خود بحران را! درحالی‌که «آگاهسازی» واقعی در این دومی نهفته است.

درست است که علم و فناوری‌های مدرن «بالمقوه» می‌توانند به نجات کره زمین کمک کنند، اما کل مسأله این است که چطور می‌توان این «بالمقوه» را «بالفعل» کرد. آن هم در حالی‌که تقریباً تمامی منابع و حق تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و سرنوشت سرمایه‌گذاری‌ها منحصراً در دست یک اقلیت است. واضح است که این اقلیت هرگز به خاطر یک مُثت نصیحت و استدلال «اخلاقی» (برای حفظ محیط‌زیست) از قدرت و سودهای آنچنانی‌شان دست نمی‌کشند.

همین که ۱۰۰ کمپانی به تنهایی مسؤل انتشار بیش از ۷۰ درصد گازهای گلخانه‌ای جهان هستند، اثبات می‌کند که چرا توقف تغییرات اقلیمی وابسته به «مبارزه طبقاتی» علیه صاحبان و مالکان این آب‌وشرکت‌ها و صنایع و بانک‌ها و تعیین تکلیف با دولت پشت سر آن‌ها است.

ما نمی‌توانیم به مسأله «تغییرات اقلیمی» به‌عنوان یک «موضوع غیرسیاسی» نزدیک شویم یا صرفاً «راه‌حل‌های فردگرایانه» را برای نجات محیط زیست تشویق کنیم. نمی‌توانیم خودمان را به آن راه بزنییم و فاکتورهای اقتصادی-سیاسی مسبب بحران را فراموش کنیم. نمی‌توانیم به جای یک مبارزه زمینی و مشخص و از پایین علیه این بحران، به «نیت خیر» و «خوش‌قلبی» سیاستمدارها امید ببندیم! به همین خاطر است که جنبش‌های مدافع محیط زیست، از جمله حرکت «اعتصاب مدارس برای آب و هوا [۱]»، تا زمانی که از جنبش کارگری و مبارزات وسیع‌تر توده‌ای جدا باشند هیچ شانس برای رشد نخواهد داشت. اما چنین جنبش‌هایی حتی اگر هم بتوانند از گروه‌های مختلف اجتماعی (نظیر کارگران) نیرو جذب کنند، باز هم به یک استراتژی روشن سیاسی برای بازپس گرفتن منابع از دست شرکت‌ها نیاز خواهند داشت، یعنی در یک کلام به استراتژی سوسیالیستی

فاصله‌گیری از این استراتژی و در عوض سرمایه‌گذاری روی لابی‌کردن با سیاستمداران و مدیران شرکتی «خیرخواه» و گذاشتن بخت خود در دستان این افراد به امید ظهور چیزی به اسم «سرمایه‌داری سبز»، راه به جایی نمی‌برد. این پیامی بود که دوست داشتیم به کمپین روز زمین برسانیم.

مهم‌ترین مسائل زیست محیطی ایران تا جایی که اطلاع دارید چه هستند؟

جنگل‌زدایی و سدسازی بی‌رویه، فرونشست خاک، آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع، کمبود آب و نابودی تالاب‌ها، خشکسالی، ریزگردهای خفه‌کننده (به‌خصوص در استان خوزستان)، آلودگی هوا (به‌خصوص در کلانشهرها)، آلودگی آب در نتیجه ریختن فاضلاب و پسماند صنایع، آلودگی‌های نفتی و... و این فهرست همچنان ادامه دارد

آیا زمامداران حکومتی برای محافظت از مردم ایران در برابر تغییرات اقلیمی جنبیده‌اند؟ چه قدم‌هایی برای مقابله با معضلات زیست محیطی برداشته‌اند؟ آیا اصلاً توجهی به بحران آب و هوایی دارند؟

جواب یک «نه»ی بزرگ هست! این زمامداران خودشان بخشی از بحران هستند و نه راه‌حل! آنچه شاهدیم، بی‌اعتنایی خونسردانه آن‌ها نسبت به مسائل زیست‌محیطی است که خود را در قالب جلسات نمایشی و وعده‌های توخالی و بودجه‌های ناچیز برای حادثترین موضوعات زیست‌محیطی نشان می‌دهد. نابودی محیط زیست به دست حکومت یک روال روتین است که در مناطق حاشیه‌ای ایران که سرکوب اقلیت‌های ملی-قومی «عادی‌سازی» شده، این روال به مراتب بدتر هم است

فقط به عنوان یک نمونه، از اواخر ماه مه [۲] آتش‌سوزی در جنگل‌های زاگرس در غرب ایران شروع شد که تا چند روز بعد از شروع هیچ اقدام جدی و مهمی از طرف حکومت برای خاموشی آن نشد. یکی از مقامات محلی این بی‌عملی را این‌طور توجیه می‌کرد که «پول برای خاموش کردن... آتش در منطقه نداریم

در عوض مثل همیشه مردم بومی و محلی بودند که سریع جان‌شان را کف دستشان گذاشتند و برای خاموش کردن آتش با دست خالی پیش‌قدم شدند، به طوری که تعدادی هم دچار سوختگی جدی شدند

حکومت مدعی است که بودجه برای چنین چیزهایی ندارد؛ اما وقتی نوبت به پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های تجسس و سرکوب و مداخلات نظامی در منطقه می‌رسد، به قدر کافی و بسی بیش از کافی پول و منابع دارند! بنابراین نه فقط در این موارد کمکی به مهار بحران نمی‌کنند، بلکه مجدانه فعالان زیست‌محیطی مستقل را هم با اتهامات سیاسی اذیت می‌کنند

عموم کارهای شما حول محور عدالت اجتماعی است: مسائلی مثل حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های جنسی، فعالان کارگری، نابرابری درآمدی و به‌خصوص زندانیان عقیدتی. تجربه شما از حرف زدن درباره این مسائل یا مسائل زیست محیطی به‌عنوان هنرمند/فعال سیاسی چطور بوده؟

شبیه به داشتن وظیفه‌ای است که هیچ وقت به اندازه کافی به انجام نمی‌رسد، چون میزان تلفات و حملات حکومتی به شکل تصاعدی از سرعت واکنش ما با فاصله دهشتناکی جلوتر است. البته از آن سو هم وقتی می‌بینیم که عابران با کارهای خیابانی درگیر می‌شوند یا از آن تصویر برمی‌دارند و به بهانه گرافیتی‌ها بحث‌هایی بین آن‌ها راه می‌افتد، برای ما روحیه‌بخش است. کمک به در گرفتن چنین بحث‌هایی درباره موضوعات حساس همیشه یکی از اهداف اصلی ما بوده

آیا هویت شما مخفی است؟ از بازداشت می‌ترسید؟

بله. بنا به ضرورت هویت ما مخفی است

خطر بازداشت یک واقعیت همیشگی زندگی در ایران است. همیشه «قوانینی» هستند که دست و پای شما را ببندد و راهی زندان‌تان کند. همین چند هفته پیش مردی که پدر دو بچه بود به خاطر مصرف الکل در مشهد اعدام شد. بنابراین هم وقتی کسی داوطلب فعالیتی این‌چنینی می‌شود، باید آماده هر چیزی باشد. با این حال مخفی‌کاری و رعایت پروتکل‌های امنیتی هم بقای ما را تضمین می‌کند

شاید برای شما عجیب باشد که ما بین خودمان اعضایی داریم که به نوعی شانه به شانه هم کار کرده‌اند، اما مطلقاً هیچ چیزی بیش از اسم مستعار از هم نمی‌دانند. همه این پروتکل‌ها برای این هست که اگر یک عضو دستگیر شد، گروه در مجموع بتواند به بقای خودش ادامه بدهد

بابت پاسخ دادن به این سوالات در خطر هستید؟

مادامی که ناشناس هستیم، خیر

به عنوان هنرمند فکر می‌کنید که نقش شما درگیر کردن دیگران با مسائل زیست محیطی در کنار مسائل اجتماعی است؟ یا اینکه فکر می‌کنید نقش شما باید اساساً در ارتباط با مسائل اجتماعی تعریف بشود؟

این سؤال بخشاً جواب گرفت. به نظر ما اشتباه است که مسائل زیست محیطی را از مسائل سیاسی-اجتماعی جدا کنیم و بین‌شان به اصطلاح یک «دیوار چین» بکشیم. وقتی رژیم هیچ‌گونه گروه مستقل زیست محیطی را تحمل نمی‌کند، وقتی اعتراض برای آب در محله عرب‌نشین غیزانیه به شدت سرکوب می‌شود و حتی پلیس ابایی از تیراندازی به کودکان هم ندارد، وقتی اعتراضات کشاورزان بر سر حق آب سرکوب می‌شود، وقتی شرکت‌های وابسته به سپاه شدیداً در سدسازی و مصادره زمین فعال هستند و وقتی سازمان اوقاف به تنهایی ده‌ها میلیون هکتار زمین و منابع طبیعی را تصاحب کرده، پس مسأله زیست محیطی یک مسأله جدی سیاسی و اقتصادی-اجتماعی است.

اما حکومت از زیر بار قبول مسئولیت شانه خالی می‌کند و در عوض مسئولیت‌هایش را به دوش مردم می‌اندازد. در حوزه محیط زیست هم راهکارهای فردگرایانه را تبلیغ می‌کند؛ مثلاً روی بیلبوردها توصیه می‌کنند که زمان کمتری دوش بگیرید و ماشین‌تان را با سطل آب بشویید و این جور احرف‌ها!

همه می‌دانند که وضع محیط زیست خراب است؛ این بحران را هر روز نفس می‌کشند و زندگی می‌کنند. بنابراین دیگر نیاز ندارند که روی دیوارها همان پیامی نوشته شود که خودشان از پیش می‌دانند. در عوض از شما می‌پرسند و می‌خواهند بدانند که برای حفظ محیط زیست چه کار باید بکنند؟ ما همیشه این سؤال را با یک سؤال جواب می‌دهیم: اگر جمهوری اسلامی سرنگون بشود، تکلیف این همه منابعی که سابقاً در دستشان بوده چه می‌شود؟ یعنی تمام اراضی، نفت، زیرساخت‌ها و صنایع و... بالأخره چه کسانی مالکان جدید این منابع می‌شوند؟ چه کسانی قرار است این‌ها را مدیریت کنند یا درباره‌شان تصمیم بگیرند؟ جواب به این سؤال‌ها است که نشان می‌دهد برنامه شما برای مسائل زیست محیطی تا چه حد رادیکال و ریشه‌ای و جدی است. با جواب دادن به این سؤال‌ها ما سعی می‌کنیم مخاطب را به استراتژی سوسیالیستی به‌عنوان راه بُرون‌رفت از این بحران‌ها (از جمله بحران زیست محیطی) متقاعد کنیم.

این بخش مهم پیامی است که سعی داریم در آثارمان برجسته کنیم.

یک جنبش دانش‌آموزی بین‌المللی که با تعطیلی یک روز از کلاس‌های درس در هفته دست به [۱] کُنش‌ورزی برای فشار به سیاست‌مداران برای بهبود وضع محیط زیست و جلوگیری از تغییرات زیست‌محیطی می‌زنند.

منظور بهار ۱۳۹۹ است [۲]

منبع کمیته عمل سازمانده کارگری